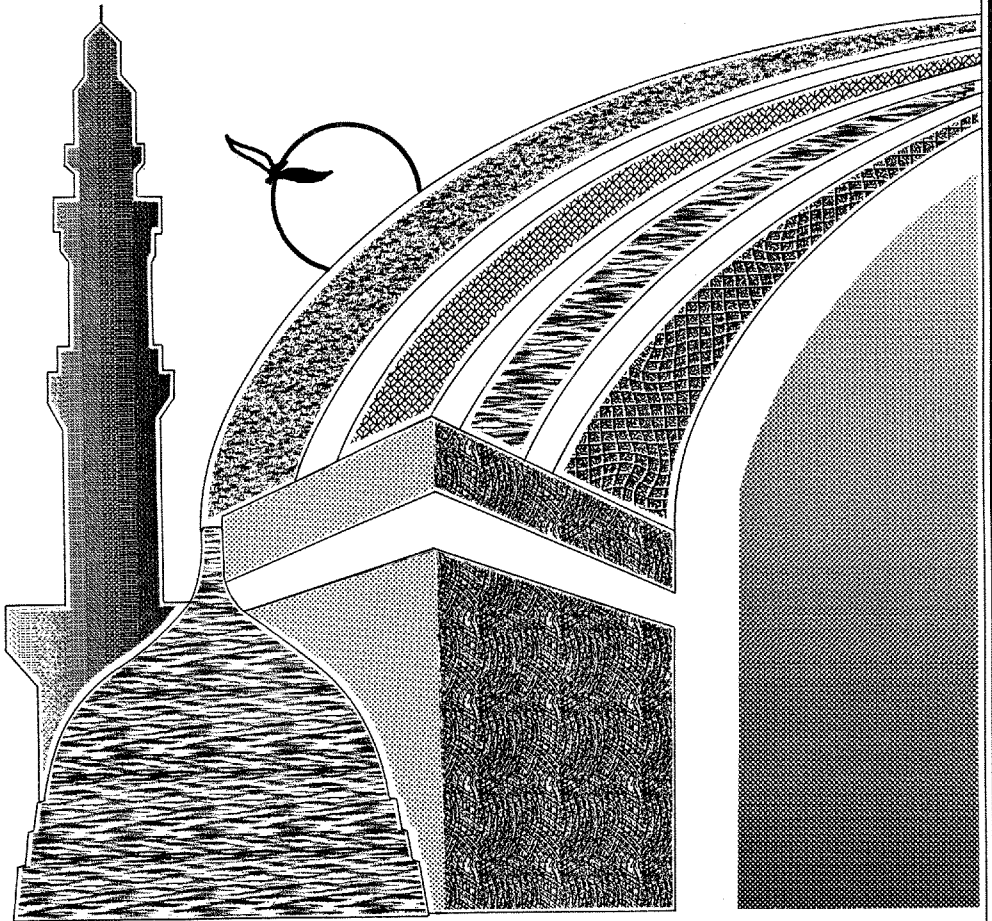


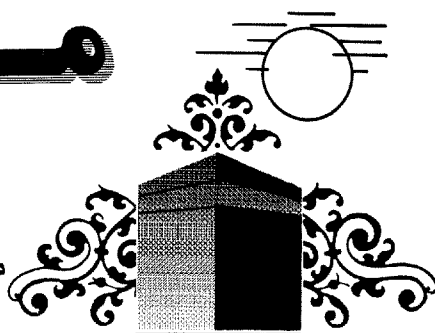
اماکن و آثار



مکه

جنت اول

محمد باقر بن مرتضیٰ حسینی خلخالی
به کوشش محمدرضا فرهنگ



به نام خدا

کتاب «جنات ثمانیه» یا بهشتهای هشت‌گانه، کتابی است که به بررسی تاریخ و جغرافیای هشت زیارتگاه مهم جهان اسلام یعنی: مکه، مدینه، بیت‌المقدس، نجف اشرف، کربلا، کاظمین (و بغداد)، سامرا و مشهد می‌پردازد، روش نویسنده در این کتاب بدینگونه است که نخست پی‌گیر پیشینه تاریخی هریک از این شهرها است و در این زمینه به روایات دینی و تاریخی و گفتار مورّخین اعتماد کرده و دورنمای تاریخی هرکدام از این شهرها را برای خواننده به تصویر می‌کشد، سپس به تاریخ جایگاه مقدس هر شهر پرداخته و در این باره نیز با پشتکار و جدّیت فراوان تقریباً تمامی روایتهای مذهبی و تاریخی را درباره آن جمع‌آوری و دسته‌بندی و نقد و بررسی می‌کند. وی در خصوص سه شهر مقدس مکه و مدینه و بیت‌المقدس به تفصیل درباره کعبه و مسجدالحرام و دشتهای مقدس آن و درباره مسجدالنبی ﷺ و دیگر مزارهای مدینه و پیرامون مسجدالاقصی و قبة الصخرة سخن می‌گوید. اما درباره دیگر شهرها به زندگانی یک‌یک امامان معصوم آرمیده در این شهرها پرداخته و از هنگام تولّد و دوران امامت و خلفای معاصر آنان و مسائل جنبی و تاریخی و وقایع ویژه هریک از آنان را به تفصیل آورده و در نهایت علل شهادت و چگونگی دفن و سیر تاریخی ساختمان‌سازی و معماری بقعه



مقدسه آنان و حوادث تاریخی گذشته بر این آرامگاهها و در پایان به مشاهیر مدفونین در جوار این بزرگواران می‌پردازد.

نویسنده این کتاب علاوه بر دارا بودن فضائل علمی، از آن‌جا که یک واعظ دینی به شمار می‌رفته از این‌رو به تناسب وظیفه خود گریز به صحرای کربلا را از یاد نبرده و در جای‌جای کتاب و به مناسبت‌های مختلف سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین علیه السلام را یاد کرده و بر ظلم و ستم و جفای مردمان دون بر آن بزرگوار و خاندان و یارانش لعن و نفرین فرستاده است.

نویسنده این کتاب سید محمدباقر بن مرتضی حسینی ملقب به فخرالواعظین خلخالی است، نسب وی به شهید بزرگوار زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام می‌رسد. وی سالها در شهر خلخال ساکن و به امور دینی مردم آن سامان رسیدگی می‌کرده است، لیکن بعدها در اثر کسالت روحی و دل‌سردی از مردمان دیار خود عزم سفر به دیار عاشقان را کرده و در سال ۱۳۱۱ هـ. از وطن خود به سوی تبریز روانه و در آنجا به دیدار مظفرالدین شاه قاجار نایل می‌گردد و دو ماه محرم و صفر را در مساجد و تکایا و اردوی دارالسلطنه تبریز به ذکر مصیبت خامس آل عبا علیهم السلام طی کرده و سپس به همراه زوار آذربایجان عازم زیارت عتبات عالیات می‌گردد، وی مدتی را در عتبات و مدتی را در دارالخلافه طهران می‌گذراند و بعدها در سال ۱۳۲۷ هـ. توفیق مجاورت مشهد علی بن موسی‌الرضا علیه آلاف التحية والثناء را کسب می‌کند و در این هنگام است که به ذهن او خلجان می‌کند دیده‌های خود را از عتبات عالیات به رشته تحریر درآورد تا مونسی برای خود و تذکره‌ای برای خوانندگان باشد، از این‌رو با پشتکار قابل تحسینی در سال ۱۳۲۷ هـ. اقدام به نوشتن نخستین جلد کتاب می‌کند و آن را در سال ۱۳۳۱ هـ. در ۴۰۳ ورق به پایان می‌برد و آن‌گونه که از میان نوشته‌ها و ارجاعات مطالب کتاب برمی‌آید وی در تهیه مقدمات نوشتن دومین جلد کتاب خود بوده و قصد اختصاص آن به مزارات شهرستانهای جهان اسلام را - به جز آن هشت شهر - داشته است لیکن به نظر می‌آید توفیق رفیق او نبوده و چنین اثری از او خلق نمی‌شود. مؤلف بعدها تنها نسخه دستنوشته خود را وقف کتابخانه آستان قدس رضوی می‌نماید که همین نسخه مورد استفاده محقق قرار گرفته است و آگاهی من از این نسخه و محتوای کتاب رهین راهنمائیهای دانشمند و محقق برجسته عراق دکتر حسین علی محفوظ کاظمی^۱ - سلمه الله تعالی -

است که هنگام شرکت در کنگره جهانی هزارمین سالگرد وفات شیخ مفید رحمته در قم مرا از این کتاب و نسخه منحصر به فرد آن در کتابخانه مشهد آگاه نمود و به احیای این اثر تشویق نمود.

در پایان با تشکر از توجه و عنایت حجة الاسلام و المسلمین سید علی قاضی عسکر - دام عزّه - که وسائل تهیه و تحقیق و چاپ آن را فراهم کرده‌اند، نخستین بخش کتاب (جنات ثمانیه) با عنوان (حرم اول) که در باره مکّه مکرمه - زاده‌ها الله عزاً و شرفاً - می‌باشد تقدیم خوانندگان گرامی می‌گردد.

سلخ جمادی الاولی ۱۴۱۷ هـ. ق.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ

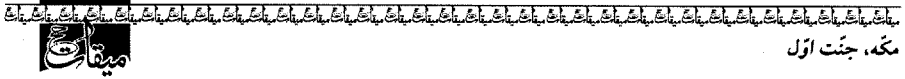
دیباچه جنات ثمانیه

ستایش و سپاس بی‌قیاس، خدای لایزال را سزاست، که بنی نوع انسان را اشرف مخلوقات فرموده، و بیت‌العتیق را از برای ایشان قبله، و محلّ امن و معبدگاه قرار داده، و بقاع و مشاهد انبیا و اولیا را محلّ استجابت دعا و زیارتگاه ساخت، و بالاتر از ایشان وجود محمود صدر صُفّه صفا را برگزید، و نقطه دایره اصطفای او را پسندید.

بیت:

ذاتی که بگفتش ایزد پاک «لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ»

و درود نامحدود، بر روان صاحب اورنگ کشور دین، و خداوند دیهیم، دار الملک یقین، نخستین رقم خامه ازل، ختم پیغمبران مُرسَل، ماه روی «وَالشَّمْسُ وَالضُّحَى»،^۲ سیاه موی «وَاللَّيْلُ إِذَا سَجَى»،^۳ صدرگزین «مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى»،^۴ مسندنشین «وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى»،^۵ شافع «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى»،^۶ پرورده «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى»،^۷ یتیم‌نواز «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ»،^۸ کارساز «وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ»،^۹ صاحب نعمت «وَأَمَّا بِنِعْمَتِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»،^{۱۰} سرفراز «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»،^{۱۱} و ممتاز «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ، بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ



رحیم»،^{۱۲} «مفتخر «أنت الحبيب وأنت المحبوب»، و مورد الطاف «أنت المريد وأنت المراد»، مُدْرَس صُفَّة رسالت، و مهندس حُجْرَة جلال، قطب فلک نبوت، و محور آسمان فتوت، گوینده «كُنْتُ نَبِيًّا وَآدَمَ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطَّيْنِ»، حبيب إله العالمين، محمد بن عبدالله، صلوات الله عليه وآله أجمعين.

اما بعد: چنین گوید مُحَرَّر این مقاله، و مؤلف این رساله، ابن مرتضی محمدباقر الحسینی الخلیفالی، چون از بدو تمییز تاکنون سال هزار و سیصد و بیست و چهار هجری است، به مقتضای شوقی که به زیارت مشاهد مقدسه اهل بیت طاهرین داشتیم، اگر چه کزات و دفعات به عتبات عالیات مُشْرِف شده بودم، باز روزی از روزها که دستم نه به کعبه خدا و نه به مشاهد ائمه هدی نمی‌رسید، جذبه تجلیات حضرت الله، و جذبات محبت اولیاءالله، دل این محزون بینوا را به هیجان آورد، خواستم چندی از برای سکون دل پر درد خود را به مصداق «الْمَجَازُ فَنَطْرَةُ الْحَقِيقَةِ» به ذکر مکه معظمه و بقاع متبرکه آن برگزیدگان مشغول سازم.

شعر:

سفر کعبه کنم تا به خرابات رسم زانکه سالک به حقیقت از راه مجاز
چون علمای اعلام، و خلفای ائمه انام، بسی سعی‌ها و کوشش‌ها در نشر اخبار
سیدالمرسلین و ائمه طاهرین نموده‌اند، سیما مولانا علامه مجلسی نهایت سعی و اهتمام در
نشر اخبار سید انام و اهل بیت علیهم‌السلام فرمود، بعد از آنکه نزدیک بود که آثار دین و مذهب و ملت
تمام شده و مندرس گردد، سعی خود را به اعلا درجه رسانده است و بسیاری از مؤلفین و
مؤرخین از علمای جغرافی و غیره، اما هیچکدام از ایشان جغرافی مشاهد مقدسه و شرح بقاع
بلاد اسلام در یک مجموعه که عوام فهم باشد مرقوم نداشته‌اند، تا از برای حاجیان
بیت‌الله‌الحرام و زائرین ائمه هدی، دلیل و بینایی بوده، از روی بصیرت و معرفت به جانب
مقصد رفته باشند، لهذا آنچه از اخبار ائمه اطهار و از کتب ارکان دین به یقین رسیده بود به
تألیف درآوردم و اوقات تدوین این وجیزه از کتب احادیث و تواریخ و انساب و رجال و جغرافی
و لغات و اخبار، از خاصه و عامه تقریباً شصت مجلد کتاب حاضر داشتیم، از روی اخبار صحیح
و با اسناد موثقه معتبره به تحریر درآوردم. بحمدالله تعالی ابواب فیوضات الهیه بر دل این عبد
گشوده شد، تا اینکه به عموم فضل و عنایت ازلی و تأثیر نظرات برگزیدگان لم یزلی، و به

همّت آل الله که مراد انوار مقدسه اهلبیت طاهرین‌اند، جغرافی حرمهای مظهره و ذکر مقامهای مشاهد منوره، و شرح قبور و بقاع مشرفه، از مشاهد انبیا و ائمه هدی، و امام زاده‌ها و اولیا و علما و حکما و عرفا و سلاطین و وزراء و شعرا، از زمان آدم تا کنون [که] از مشهورین عالم بوده‌اند، از تاریخ ولادت و وفات و مدفن و جغرافی مکانها و انساب باهره، از فراز هر دیاری که پرتو نور اسلام به نقاط کره زمین تابیده است بر قلم و زبان این آشفته ناتوان ملفق گردید، مناسب دید که مسمی نماید به جنات ثمانیه، امیدوارم عموم حجاج بیت‌الله الحرام، و زوار ائمه انام بهره‌مند گردند.

چون این کتاب از مکمن غیب به وضع مرغوب جلوه‌گر آمد، آنکه کعبه‌الله و حرمهای شریفه چهارده معصوم علیهم‌السلام است، بنابر اشرفیت و افضلیت، به مفاد **«السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»**،^{۱۳} و من باب اولی بالتقدم، مقدمه در جزء اول کتاب ذکر گردید، لاجرم تتمه بقاع به ترتیب حروف تهجی در جزء ثانی کتاب به تحریر پیوست، و توفیق اتمام از ملک در خواسته آمد **«إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»**^{۱۴} و بالاجابة جدیر.

نظم:

که بعد از وی بماند روزگاری

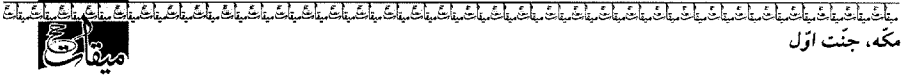
چه بهتر مرد را از یادگاری

الإعانة والتوفيق من الملك الجبار.

حرم اول از کتاب جنات ثمانیه

بسم الله الرحمن الرحيم وما توفيقى إلا بالله

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَ سَعَائِرَ الْإِسْلَامِ، وَأَكْرَمَنَا بِالْإِرْشَادِ إِلَى الْحَلِّ وَالْحَرَامِ، وَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالرُّكُونِ إِلَى الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَعَرَفَنَا وَقُوفَ الْعِرْفَاتِ وَالْمَشْعِرِ الْحَرَامِ، وَجَعَلَ لَنَا حَرَمًا آمِنًا وَحِصْنًا لِأَنْتَامِ، وَكَهْفًا حَصِينًا لِبُصُوفِ الْأَيَّامِ، وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى مَنْ تَشَرَّفَ بِهِ الْبَيْتِ وَالْحُطَامِ، وَاسْتَقَامَ بِهِ الرُّكْنَ وَالْمَقَامِ، مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَآلِهِ الَّذِينَ هُمْ حَقَائِقُ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ، وَبِوِطْأَنِ الْحَيْجِّ وَالْإِحْرَامِ، عَلَى مُرُورِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ.



در حد و حرم و مساحت حیاتگاه و طواف کاه و غیره

بلادر بیان صحیح مارتی سانه تبه ثابت است اسلجیوار که باشد اگر ن طول کاه سیصد نهما که است در
 سیصد پانزده که در هر دو سید یکبار در اقصی دستا که در هر امان خانقا و کما در اول اید بزیست است
 از بعد ناوم شمارش عمادی قرنی همه تفرقه در خانقا است درسی هزار دنیا یک کاه که داده تا امانت را در کج
 بسید که اگر کوشد و خانه در هر دو زمین بر خضر سید بوده و در کمال آنرا کجا اتفاق افتاد به طرف حایم بیست و خیزان
 والد و آمدن در شیه آنرا با سیست یعنی ولادت خانه حضرت محمد ص و در کجه که کوه در کجا
 بود همان خانه جرسیت است حضرت بیرون شرف حضرت آن خانه را داخل ساری فر کردند و بعد از آنجا
 بعد از آن از شد آن خانه را خضره داخل سید که تاریخ میلاد آنحضرت به یاد گذشتن پنجای
 از انام الفیور در ده که شریفه بیع الازار عمل طرف با این المولد است در کور آنه خواندن شرف
 شکر شد عجز سید انمول التعمام الفیل بکند را حرم الجبل اول اما محل ولادت حضرت سید المرسلین
 علی علیه السلام اندرون کعبه است یعنی وسط خانه مادری کانی که سنگ رخ خورشید است و آن را خانه حرم
 گویند و در خطی است به آن نام آرید که در است بیست شریفه در دست به بار است و گفته می شود
 باک و با این عندک من رسول کنده آنه صدقه بکلام جده بر الی الجبل ان الذی بیست است
 بیست اللّٰه بنا هذا لیت المولد الذی فی الجبل استریست لیت اولاد عمه ان دعا و اگر تکه کانه شد
 و فطر و آنکه که در هر دو زمین که در کوش فاطر بیرون آمد علی علیه السلام در دست شرف اول که بیان شد
 به صاحب کاه که در هر دو زمین که در کوش فاطر بیرون آمد علی علیه السلام در دست شرف اول که بیان شد
 در حرم کعبه که در هر دو زمین که در کوش فاطر بیرون آمد علی علیه السلام در دست شرف اول که بیان شد
 در حرم کعبه که در هر دو زمین که در کوش فاطر بیرون آمد علی علیه السلام در دست شرف اول که بیان شد

در بیان صحیح مارتی سانه تبه ثابت است اسلجیوار که باشد اگر ن طول کاه سیصد نهما که است در سیصد پانزده که در هر دو سید یکبار در اقصی دستا که در هر امان خانقا و کما در اول اید بزیست است از بعد ناوم شمارش عمادی قرنی همه تفرقه در خانقا است درسی هزار دنیا یک کاه که داده تا امانت را در کج بسید که اگر کوشد و خانه در هر دو زمین بر خضر سید بوده و در کمال آنرا کجا اتفاق افتاد به طرف حایم بیست و خیزان والد و آمدن در شیه آنرا با سیست یعنی ولادت خانه حضرت محمد ص و در کجه که کوه در کجا بود همان خانه جرسیت است حضرت بیرون شرف حضرت آن خانه را داخل ساری فر کردند و بعد از آنجا بعد از آن از شد آن خانه را خضره داخل سید که تاریخ میلاد آنحضرت به یاد گذشتن پنجای از انام الفیور در ده که شریفه بیع الازار عمل طرف با این المولد است در کور آنه خواندن شرف شکر شد عجز سید انمول التعمام الفیل بکند را حرم الجبل اول اما محل ولادت حضرت سید المرسلین علی علیه السلام اندرون کعبه است یعنی وسط خانه مادری کانی که سنگ رخ خورشید است و آن را خانه حرم گویند و در خطی است به آن نام آرید که در است بیست شریفه در دست به بار است و گفته می شود باک و با این عندک من رسول کنده آنه صدقه بکلام جده بر الی الجبل ان الذی بیست است بیست اللّٰه بنا هذا لیت المولد الذی فی الجبل استریست لیت اولاد عمه ان دعا و اگر تکه کانه شد و فطر و آنکه که در هر دو زمین که در کوش فاطر بیرون آمد علی علیه السلام در دست شرف اول که بیان شد به صاحب کاه که در هر دو زمین که در کوش فاطر بیرون آمد علی علیه السلام در دست شرف اول که بیان شد در حرم کعبه که در هر دو زمین که در کوش فاطر بیرون آمد علی علیه السلام در دست شرف اول که بیان شد در حرم کعبه که در هر دو زمین که در کوش فاطر بیرون آمد علی علیه السلام در دست شرف اول که بیان شد

در بیان صحیح مارتی سانه تبه ثابت است اسلجیوار که باشد اگر ن طول کاه سیصد نهما که است در سیصد پانزده که در هر دو سید یکبار در اقصی دستا که در هر امان خانقا و کما در اول اید بزیست است از بعد ناوم شمارش عمادی قرنی همه تفرقه در خانقا است درسی هزار دنیا یک کاه که داده تا امانت را در کج بسید که اگر کوشد و خانه در هر دو زمین بر خضر سید بوده و در کمال آنرا کجا اتفاق افتاد به طرف حایم بیست و خیزان والد و آمدن در شیه آنرا با سیست یعنی ولادت خانه حضرت محمد ص و در کجه که کوه در کجا بود همان خانه جرسیت است حضرت بیرون شرف حضرت آن خانه را داخل ساری فر کردند و بعد از آنجا بعد از آن از شد آن خانه را خضره داخل سید که تاریخ میلاد آنحضرت به یاد گذشتن پنجای از انام الفیور در ده که شریفه بیع الازار عمل طرف با این المولد است در کور آنه خواندن شرف شکر شد عجز سید انمول التعمام الفیل بکند را حرم الجبل اول اما محل ولادت حضرت سید المرسلین علی علیه السلام اندرون کعبه است یعنی وسط خانه مادری کانی که سنگ رخ خورشید است و آن را خانه حرم گویند و در خطی است به آن نام آرید که در است بیست شریفه در دست به بار است و گفته می شود باک و با این عندک من رسول کنده آنه صدقه بکلام جده بر الی الجبل ان الذی بیست است بیست اللّٰه بنا هذا لیت المولد الذی فی الجبل استریست لیت اولاد عمه ان دعا و اگر تکه کانه شد و فطر و آنکه که در هر دو زمین که در کوش فاطر بیرون آمد علی علیه السلام در دست شرف اول که بیان شد به صاحب کاه که در هر دو زمین که در کوش فاطر بیرون آمد علی علیه السلام در دست شرف اول که بیان شد در حرم کعبه که در هر دو زمین که در کوش فاطر بیرون آمد علی علیه السلام در دست شرف اول که بیان شد در حرم کعبه که در هر دو زمین که در کوش فاطر بیرون آمد علی علیه السلام در دست شرف اول که بیان شد

سال ششم — شماره بیست و یکم — پاییز ۱۳۷۶



پس شروع نماییم به ذکر هشت حرم:

باز گو از نَجْد، از یاران نجد
تا در و دیوار را آری به وجد

حرم اوّل در بیان مکه معظمه

حرم: در لغت عربی به معنی خُرمت و تعظیم و محلّ ستور^۱ در نظر بیگانگان مهجور، به این مناسبت اندرون سلطان را حرم گویند. اما در اصطلاح، شاهد مشرفه را حرم خوانند، مشهورترین آنها حرم کعبه است و حرم رسول الله و حرم‌های ائمه علیهم السلام است. اسامی مکه: أم القرى، کعبه، عرش الله، بلد الحرام، بیت العتیق، أمّرحم، أم الارضین، قلدس، مقدسه، بساسه، نساسه، حجاز، حاتم، بطحا، رأس، کوئی، بیت الله الحرام، مکه، بکه، بلد آمین.

جغرافیای آنجا: شهر مکه مرکز ولایت حجاز، و منشأ دین مبین، و قبله مؤمنین، و مولد حضرت سید المرسلین، و زیارتگاه مؤمنین و مسلمین است. در میان کوهستان غیر مُنبت^۲ در وسط دژه واقع است و عدد نفوس آنجا شصت و هفت هزار و اهلش عرب و شافعی مذهب، حنفی و مالکی و حنبلی و زیدی نیز بسیارند. قر [ب]ب^۳ هشتاد و پنج خانه شیعه امامیه در آنجا سکونت دارند و فرقه شافعی در کمال اقتدارند. و ضعیف اندام و سیاه چهره و اسمر اللون^۴ می‌باشند.

آب آنجا: اوّل بئر زمزم بود و آن چاهی است که ابراهیم علیهم السلام از برای اسماعیل کنده بود، مدتی انباشته گشته مخفی شد، بعد عبدالمطلب حفر^۵ نمود، آن چاه در طرف مغرب کعبه واقع است نزدیک به مقام ابراهیم، و چهل گز^۶ عمق اوست و آب آن چاه شورناک است. در ابتدا غیر از آب زمزم آبی نداشت، تا این که زبیده خاتون زن هارون الرشید از سمت طائف و عرفات و منا قناتی کنده آبی اخراج کرده و به جریان آورد. مدتی از ریگ انباشته گردید، بعد به همت سلطان ابوسعید^۷ و سلاطین آل عثمان آن را جاری گردانیده و لوله‌های مسین در زمین نشانده آب را به شهر آوردند و ماکولات^۸ آنجا را از طائف و از اطراف دیگر آوردند.

حدود آن: طرف شرقی کوه صفا و کوه ابوقییس، سمت غربی کوه عرفه و شاما، جانب جنوب کوه مروه، طرف شمال کعبه صفا است.



اما جغرافی کعبه: بدان که کعبه در وسط مسجد الحرام می‌باشد و هر دو در میان شهر واقع‌اند.

ارکان آن: رکن عراقی، رکن یمانی، رکن غربی، رکن شامی است.
طول کعبه: از رکن عراقی که حجرالاسود در اوست الی رکن شامی، بیست و پنج ذراع^۹ است.

عرض کعبه: از رکن یمانی الی^{۱۰} رکن عراقی بیست و یک ذراع و یک شبر^{۱۱} است.
ارتفاع دیوار کعبه: سی ذراع است.
دور سطح سقف کعبه: بیست و هفت ذراع است.
ضخامت سقف: دو ثلث ذراع است.
ضخامت دیوار: چهار شبر و چهار انگشت است.
و پشت بام: کعبه را به قلعی اندوده‌اند.

و سه ستون: در عرض است برای نگهداری سقف دوم که پرده‌های بیت شریف به آن مربوط است، و در پنج موضع از خانه، پنج چوب عریض و محکم و متین به قامت انسانی منصوب می‌باشد.

بابهای^{۱۲} کعبه: او را دو در است؛ یکی از پایین و دیگری از بام خانه است و هر دو از درخت عود است.

طول در: هفت ذراع است که در آن چهار حلقه از نقره است و در اندرون خانه سلمی^{۱۳} نزدیک رکن شامی است، [که] در دیوار پنهان است.

مرقاة آن: یعنی پله‌های کعبه بیست و نه است و از اطراف خانه حلقه‌ها و چوبها برای پرده نصب شده است.

میزاب^{۱۴} آن: قطعه [ای] از چوب است، بر او صفحه‌های نقره کشیده‌اند و نقره را مطلقاً کرده‌اند.

طول میزاب: چهار ذراع و نیم است.

عرض میزاب: دو ثلث ذراع است و آنچه در طول میزاب داخل دیوار است به ذراع بتایان دو ثلث ذراع است. و در نزدیک به دیوار دایره‌ای از طول دارد و در سه موضع از نقره [پوشیده شده است].



و حجرالأسود: به رکن عراقی منصوب^{۱۵} است، کسی که میانه بالا است به سهولت او را می‌بوسد، برای این که از زمین به اندازه شش وجب بلند است. و در این اوقات اطراف حجرالاسود را به طلا محکم کرده‌اند، نظر کردن به آن موجب سرور و بهجت است. حطیم: واقع است در میانه خانه و حجرالاسود و آن مقام افضل بقاع ارض است و حطیم به معنی خورد شده است، چه ازدحام حاج در آن محل زیاد می‌شود تا خورد می‌گشتند. شاذروان: احاطه به تمام خانه دارد، ارتفاع آن دو ثلث شبر است و عرضش نصف ذراع و بر پشت آن گچ ریخته‌اند و الواح رخام،^{۱۶} که طولاً یک ذراع و نیم است، بر آن منصوب و خمیده است که کسی بر آن نتواند بایستد.

مُستجار: مکانی است در پشت کعبه، مقابل باب است، نزدیک به باب مسدود^{۱۷} است، آن محل را مستجار نامند. قبل از آن که تجدید تعمیر بیت شود، آن باب کعبه بود، حال مسدود است، وجه تسمیه^{۱۸} مُستجار آن است: در همان مکان طلب آمرزش و مغفرت کنند تا از آتش جهنم محفوظ باشند، چنانکه سابق بر این انبیا و اولیا در آن محل با خداوند راز و نیاز کرده و دعاهای ایشان مستجاب گشته.

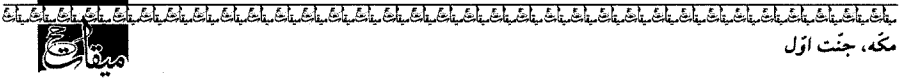
حجر الکعبه: مشهور است به جِجر اسماعیل:

«وَالْحِجْرُ الْحَائِطُ الْمُسْتَدِيرُ إِلَى جَانِبِ الْكَعْبَةِ الْغَرْبِيِّ، وَكَلَّةٌ مِنَ الْبَيْتِ أَوْ سِتَّةٌ أُذْرَعٌ مِنْهُ أَوْ سَبْعَةٌ، نَقَلَ أَنَّ إِسْمَاعِيلَ بْنَ إِبْرَاهِيمَ دَفَّنَ أُمَّهُ فِي الْحِجْرِ فَحَجَّرَ عَلَيْهَا لَثَلًا تَوَطَّأً.^{۱۹}»

قال الصادق عليه السلام: دفن في الحجر مما يلي الركن الثالث عُذْرَايَ بَنَاتِ إِسْمَاعِيلَ، وَفِيهِ الْحَجْرُ بَيْتِ إِسْمَاعِيلَ وَفِيهِ قَبْرُ هَاجِرَ وَ قَبْرُ إِسْمَاعِيلَ^{۲۰} انتهى.

یعنی آن مصطبه^{۲۱} محوطه به حایط^{۲۲} آن، محوطه مدوری است در سمت غربی کعبه، نزدیکی رکن واقع است، و آن دیواری است کوتاه و مستدیر^{۲۳} مانند نصف دایره، مقابل رکن شامی و ارتفاع آن دیوار دو ذراع است و عرض آن نیز به همین مقدار است و طول آن عرض کعبه است و در طرفین حجر دو معبر^{۲۴} است عرض هر یک دو ذراع و نیم است.

مقام ابراهیم: آن سنگی است که اثر پای مبارکش در اوست، مابین رکن و مقام است. تاریخ بناء کعبه: هزار و هشتصد و نود سال قبل از میلاد عیسی به وقوع پیوست.



تاریخ قبله مسلمانان بودن کعبه: در سال دوم هجرت از جانب بیت المقدس به سوی کعبه بگشت.

وضع کعبه با مسجد الحرام: اصل خانه کعبه از جحرالاسود تا رکن یمانی که بر طول مسجد الحرام است، عرض کعبه حساب می‌شود [و] یازده ذرع است، و از رکن یمانی و شامی که عرض مسجد و طول خانه کعبه است دوازده ذرع است.

جغرافیای مسجد الحرام

قوله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَوَّلُ مَسْجِدٍ بُنِيَ عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ هُوَ مَسْجِدُ الْحَرَامِ وَبَعْدَهُ بَيْتُ الْمَقْدِسِ بِأَرْبَعِينَ سَنَةً». ۲۵

طول مسجد: چهار صد ذراع است.

عرض مسجد: دویست و هفتاد ذراع است.

بابهای مسجد: سی و نه است، در سمت باب‌الزیاره، که غربی خانه کعبه است، هفت در دارد، و در سمت باب‌ابراهیم که جنوب خانه کعبه است چهار در دارد، در سمت باب‌الصفا که شرقی خانه کعبه است هفده در است، و در سمت باب‌السلام که شمالی خانه کعبه است، یازده در است.

طاقهای مسجد: مشتمل است بر سی و شش طاق، دهنه هر طاقی چهار ذرع و نیم است که مجموع آن، صد و هشت ذرع است، و چهار اطراف شبستان است. عرض شبستانها: از همه طرف سیزده ذرع است.

ستونهای مسجد: مجموع میله‌های سنگی که طاقها را بر بالای آن بنا کرده‌اند پانصد عدد است، و از جمله آن پانصد میل یکصد و بیست و پنج آن سنگ کوچک، مثل آجر تراش کرده بر بالای آن کار کرده‌اند، و سیصد و هفتاد و پنج آن ستون یکپارچه است که از سنگ سفید است و بلندی هر یک تقریباً سه ذرع و نیم است، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا يُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ، مَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَمَسْجِدِ الْأَقْصَى، وَمَسْجِدِي هَذَا».

چنانکه گفته شد خانه کعبه در مسجد الحرام است و آن مسجد در وسط شهر مکه است، و آن شهر از ولایات حجاز است و از اقلیم دَوَم است، و در شهر در میان درّه واقع است که در طرف شرقی آن کوه ابوقییس [و] قعیقان است، و کوه ابوقییس کوه بزرگی است، و طرف

غربی کوه شاما و کوه شیبیر و آن کوه بلند [ی] است مُشرف بر منا و مُزدلفه. دور شهر مکه: ده هزار و سیصد و هفتاد گام [است]، اما اندرونش خراب و جبال و تلال^{۲۶} بسیار است و آن زمین محلّ کشت و زرع نیست، قوله تعالی: ﴿بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ﴾^{۲۷} و هر چه ایشان را به کار آید از ولایت دیگر آورند، ولایت طائف بر هشت فرسنگی آنجا است و مدار مکه ارتفاعات طائف است، و طائف نزدیک کوه عروان واقع است و بر آن کوه برف و یخ می‌باشد، و در مُلک عربستان غیر آنجا برف و یخ نبود، و خوبی هوای طائف از آن کوه است.

چاه زمزم: بر طرف غربی کعبه است و چهل گز عمق دارد، و دور سرش یازده گز است، و بر سرش قبه^{۲۸} ساخته‌اند و دو درخت مربع از چوب ساج گذرانیده، و بر هر یک جهت آب می‌توان کشید و آب آن شور است، و اکنون در مکه آب روان است، مردم آنجا اکثر^{۲۹} سیاه چهره‌اند و به تجارت مشغول و بر مذاهب مختلفه عمل می‌کنند.

اما حدود حرم:

به فرمان حق شهر مکه و حوالیش همه حرم است:

اول: از راه مدینه تا ده میل، که سه فرسنگ و میلی بود، حرم است، و میقاتش ذوالحلیفه و از او تا مکه ۳ ک.

دوم: از راه جدّه تا ده میل که سه فرسنگ و میلی بود، و میقاتش تا مکه ۳ ک.

سیم: از راه مصر و شام تا نود فرسنگ حرم است، و میقاتش جُحفه و از آنجا تا مکه سی و سه فرسنگ و تا دریا دو میل.

چهارم: از راه یمن و تهامه تا هفت میل که دو فرسنگ و میلی بود حرم است، و میقاتش یَلْمَلَم و از او تا مکه ۵ ک.

پنجم: از راه نجد تا نود فرسنگ حرم است، و میقاتش از حاجر [است].

ششم: از راه عراق تا نه میل که سه فرسنگ بود حرم است، و میقاتش ذات‌العرق و از او تا مکه پانزده فرسنگ و میلی بود، و دور و حوالی این حرم سی و هفت میل است که دوازده فرسنگ و میلی بود، و جهت نشان در آن امیال^{۳۰} ساخته‌اند، همه لم یزرع است.

و اما خارج حرم بساتین و باغات و زراعات فراوان و آب روان [می] باشد.



میقاتگاه:

که حاجیان بیت‌الله باید در آنجا غسل کرده، احرام ببندند، شش مقام است:

- ۱ - ذوالحلیفه: در شش میلی مدینه است، و مسجد شجره در آنجا واقع است [که] احرامگاه اهل مدینه است.
 - ۲ - حُجَافه: در سه منزلی مکه است، و میقاتگاه اهل شام است که اهل مصر از آنجا احرام می‌بندند.
 - ۳ - یَلْمَلَم: کوهی است از جبال^{۳۱} تهامه، احرامگاه اهل یمن است.
 - ۴ - قرن المنازل: میقاتگاه اهل نجد است، و اویس قرنی^{۳۲} از آنجا است.
 - ۵ - وادی العقیق: صحرا بی است طویل،^{۳۳} زیاده از دو منزل قاصِد سریع‌السیر است، میقاتگاه عراق عرب و جبل عامل است، اول آن صحرا را مسلخ گویند از سمت عراق که به مکه روند، و آخر صحرا را ذات عرق گویند.
 - ۶ - خود مکه: میقاتگاه است از برای حج تمتع [که] احرام می‌بندند، افضلش^{۳۴} مسجدالحرام است، یا از تحت میزاب،^{۳۵} یا در مقام ابراهیم، یا در حجر اسماعیل مُحرم شوند. مساحت: دور و حوالی میقاتگاه هفتصد و سی سه میل [است]، که دویست و چهل و چهار فرسنگ و میلی بود که نهاده شد.
- طوافگاه:** صحن مسجدالحرام طوافگاه حجاج بود، چون خانه کعبه در میان آن صحن است و آن که در جامعهای^{۳۶} بلاد در میان صحن عمارتی سازند جهت مناسبت با مسجدالحرام و کعبه باشد، اکنون طول طوافگاه سیصد و هفتاد گز است در سیصد و پانزده گز، در بیرون مسجد یک‌هزار و پانصد و هشتاد گز، در حوالی آن خانقاه، و مدارس، و ابواب البر^{۳۷} بسیار است، از جمله زاهد خمار تاش عمادی قزوینی جهت قزاونه^{۳۸} خانقاهی ساخت و سی‌هزار دینار به حکام مکه داده تا اجازت دادند که پنجره به مسجدالحرام گشود، و خانه به دار محمد بن یوسف منسوب بوده و مولد رسول‌الله آنجا اتفاق افتاده، به طرف مسجدالحرام است، و خیزران والده^{۳۹} هارون الرشید آن را با مسجد ساخت،^{۴۰} یعنی ولادتخانه حضرت محمد ﷺ در کوچه‌ای که مشهور به شعب ابوطالب بود، همان خانه بر حسب میراث به حضرت رسول منتقل شد، حضرت آن خانه را داخل سرای خود کردند و بیضا می‌نامیدند، بعد هارون الرشید آن خانه را خریده داخل مسجد نمود.



تاریخ میلاد آن حضرت: بعد از گذشتن پنجاه و پنج روز از عام الفیل در روز دوشنبه هفدهم ربیع‌الاول در محل معروف به «اراق المولد» است در مکه، از آمنه خاتون بنت وهب متولد شد.

عربیة:

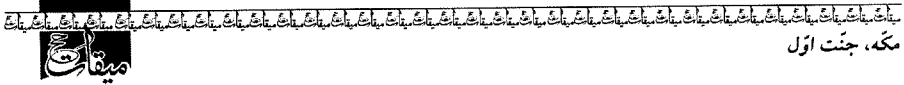
(فَمَوْلِدُ النَّبِيِّ عَامُ الْفِيلِ بِمَكَّةَ وَالْحَرَمُ الْجَلِيلِ)

و اما محل ولادت حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام: اندرون کعبه است، یعنی وسط خانه خدا، محاذی ^{۴۱} مکانی که سنگ سرخ فرش است و آن را رخامه حمرا گویند، وقتی که فاطمه بنت اسد را آثار زاییدن گرفت، روی به بیت شریف آورد و دست به دعا برداشت و گفت: (إِلَهِي إِنِّي مُؤْمِنَةٌ بِكَ، وَبِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ مِنْ رُسُلٍ وَكُتُبٍ، وَإِنِّي مُصَدِّقَةٌ بِكَلَامِ جَدِّي إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ، وَإِنَّهُ بَنَى بَيْتَ الْعَتِيقِ، بِحَقِّ الَّذِي بَنَى هَذَا الْبَيْتَ وَالْمَوْلُودِ الَّذِي فِي بَطْنِي أَلَا مَا يَسَّرَتْ لِي عَلَيَّ وَوَلَادَتِي)، مقارن دعا دیوار کعبه شکافته شد، و فاطمه داخل گردید، و دیوار به هم بر آمد، سه روز از آن بگذشت، فاطمه بیرون آمد و علی علیه السلام در دست او [بود]. ^{۴۲}

شعر

طواف کعبه زان شد بر همه واجب که آنجا در وجود آمد علی بن ابی طالب
مقامهای دیگر در آنجا: سعادت خانه خدیجه که محلّ وحی هم می‌گویند، یعنی در آنجا
وحی به پیغمبر رسید.

دیگر سنگ آسیای حضرت فاطمه در حجره راست می‌باشد.
دیگر در محله گود محلّ ولادت حضرت فاطمه زهرا است و محلّ شق القمر، و محلّ
معراج پیغمبر است، و خانه حمزه سید الشهداء علیه السلام و مسجدالجنّ که پیغمبر به طایفه جنّ
مسائل دینیّه تعلیم فرمود، دکان ابوبکر، چاه عثمان مظعون، قبرستان حجون و جسیم.
و حجرالأسود: هم واقع است در سمت شمال مکه، ^{۴۳} در رکن عراقی است بر بلندی کم از
قامتی تا دست در آن توان مالید، و آن رکن مایل شرقی است، و مقام ابراهیم و زمزم نزدیک
اوست، و رکنی که مایل شمالی است رکن شامی گویند، و رکنی که مایل غربی است رکن
حبشی یمانی، و آن که جنوبی است رکن یمانی گویند.



طول خانه: بیست [و] چهار گز است و به دستی، و عرضاً بیست [و] سه گز و به دستی،^{۴۴} و مساحتش: پانصد و هفتاد و پنج گز باشد، مساحت اندرون خانه چهار صد و چهل [و] چهار گز است، ارتفاع آن از بیرون بیست و هفت گز است.
 پرده آن: اول کسی که آن خانه را جامه پوشانید تُبَع بن اسعد ابو حرب الحمیری بود، و او معاصر بهرام گور ساسانی بود، و در این معنی گفته است:

عریّته:

«وَكَسْنَا الْبَيْتَ الَّذِي حَرَّمَ اللَّهُ مَا رَأَى مَعْضدًا وَ بَرودًا

سقایه^{۴۵} الحاج: به طرف غربی خانه کعبه است در پس چاه زمزم.

دارالتدوّه: هم در غربی مسجد است در پس دارالاماره.

و کوه صفا: به طرف شرقی مسجدالحرام است، و در کلام مجید ذکر صفا و مروه بسیار است، منها: «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ»^{۴۶} و رسول الله ﷺ فرموده که دابة الأرض [که] خروجش از نشان ظهور قیامت است، از کوه صفا بیرون خواهد آمد.

مساحت صفا و مروه: از صفا الی^{۴۷} مروه چهار صد و نود و سه گام است، و وسعت صفا هفده گام است و چهارده پله دارد، و سه میل بینهما^{۴۸} فاصله است.

وجه تسمیة آن: حضرت آدم به صفا هبوط فرمود ملقب بصفی الله گشت، و حوّا أم البشر به کوه مروه هبوط نمود که اسمش به عربی مرثه شد.

کوه ابوقیس: به طرف غربی مسجد است.

و مشعرالحرام و حطیم: در میان کوه صفا و مروه است، و نجد کوه قعیقعان و منا دژه است به طرف غربی مسجدالحرام به درازی دو میل، و جَمْرَة عقبه در انتهای منا واقع است، و مسجد خیف هم به طرف غربی مسجدالحرام است، و کوه عرفات هم به طرف غربی مسجدالحرام است، از آنجا تا مکه سه میل است، و مسجد عایشه^{۴۹} هم خارج حرم است، و جمره اول و حُدیبیّه محاذی حرم است و ما بین شعبی^{۵۰} است در میان دو کوه که آخرش بطن غرّنه است، و از آنجا راه حایط بنی عامره است، که حجاج نماز ظهر و عصر آنجا گزارند،^{۵۱} و آنجا چشمه‌ای است که به عبدالله عامر منسوب است، و مُزْدَلِفَة^{۵۲} در میان مکه و عرفات است.

در بنی شیبه^{۵۳} بین صفا و مروه است نزدیک به خانه عباس بن عبدالمطلب.

طاق شعیب: طاقی است معروف.

اما جبال^{۵۴} مکه: بسیار است آنکه مشهور است:

صفا، مروه، عرفات، منا، حُجون، فاران، ابوقبیس، ایله، ثبیر و ثور در یک فرسخی منا [و] در دو فرسخی عرفات واقع‌اند.

ضبه: هم شعبه [ای] است از رشته‌های کوه منا، آخرش منتهی می‌شود به مسجد خیف. مسجد خیف: در دست چپ راه عرفات است.^{۵۵}

مسجد الکبش: که از برای اسماعیل فدیة قربانی آمده و سنگی که کارد حضرت ابراهیم [را] دو پاره کرد با کاردش معین است.

مغارة الفتح:^{۵۶} پیغمبر قبل از نبوت در آنجا عبادت [می] کرد.

مسجد مرسلات: معروف است و در قرب^{۵۷} مسجد خیف است. در آنجا سوره «والمرسلات» به پیغمبر نازل شد.

مسجد کوثر: پیغمبر در حجة الوداع به قرار^{۵۸} شصت و سه شتر نحر کرد و سوره «إنا أعطیناک» در آن محل نازل شد.

جبل ثور: متصل است به کوه منا که غار در آنجا است، پیغمبر با ابوبکر در آنجا پنهان شدند، جبل ثور از آن شش کوه یکی است که هنگام تجلی خدایی به حضرت موسی علیه السلام، کوه پاره پاره، شده یکی از آن شش پاره به جبل ثور افتاد.

مُحَصَّب: آن مکانی است که در کوه منا رمی جمره می‌کنند.

ابطح: راه وسیعی است در وادی منا و جای ریگزار است، اولش منقطع الشعب، انتهایش متصل به مقبره مُعلی^{۵۹} است.

قرح: اسم کوهی است در مُزدلفه.

مشعر الحرام: همان مزدلفه است.

خیف: مکانی است در پشت کوه ابوقبیس.

عرفات: اسم بقعه معروف است که حجاج در آنجا وقوف^{۶۰} نمایند.

یوم عرفه: روز وقوف در آن مکان را گویند، چون حضرت ابراهیم همان روز بر صحت رؤیای خود عارف^{۶۱} شد، و همچنین حضرت آدم علیه السلام به حوا همان روز رسید [و] همدیگر را



شناختند، بنابراین یوم عرفه گفته شد.

بنیان^{۶۲} کعبه: «أَوَّلَ مَنْ بَنَى الْكَعْبَةَ الْمَلَائِكَةُ، ثُمَّ إِبْرَاهِيمَ، ثُمَّ قُرَيْشٌ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَحَضْرَهُ النَّبِيِّ وَلَهُ خَمْسٌ وَثَلَاثُونَ، ثُمَّ ابْنُ الزُّبَيْرِ، ثُمَّ الْحَجَّاجُ بْنُ يُوسُفَ، وَقِيلَ بُنِيَ بَعْدَ ذَلِكَ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا.»^{۶۳}

گویند بنای کعبه را آدم و شیث علیه السلام فرمودند، دیگر بعد از طوفان نوح حضرت ابراهیم با پسر خود اسماعیل بنا نهادند، بعد از آن قریش قبل از بعثت رسول الله صلی الله علیه و آله در سال سی و پنجم از مولود حضرت، خراب کردند و از نو به تجدید عمارت مشغول شدند، بعد عبدالله [بن] زبیر در زمان استیلای خود بنای قریش را خراب ساخت [و] بار دیگر از نو به تعمیرش پرداخت، و حجّاج ظالم بعد از غلبه^{۶۴} خراب کرد و از نو تعمیر نمود.

و در کتاب «معارف [بن] قُتیبیه، وهب بن مُنَبّه گوید: که چون حضرت آدم از بهشت به زمین سراندریب هبوط کرد، بعد از صد سال تضرع و زاری توبه او قبول شد و او را به مفارقت بهشت تأسّف عظیم بود، حق تعالی خیمه از بهشت بدو فرستاد آن را بر زمین کعبه فرود آوردند و آن خانه [ای] بود از یک پاره یاقوت با قنادیل زرّین، و در دیگر کتب آمده آن خانه بیت المعمور بود، به روایتی به وقت طوفان و به نقلی به وقت وفات آدم علیه السلام آن خانه را به آسمان بردند و بنی آدم به فرمان شیث علیه السلام بر جای آن، خانه از سنگ و گل ساختند، و در زمان طوفان خراب شد. مدّت دو هزار سال خراب ماند تا چون حضرت ساره را با اسماعیل و هاجر رشک آمده ابراهیم خلیل علیه السلام را الزام^{۶۵} نمود تا هر دو را از پیش ساره دور کند، و او به فرمان حق تعالی ایشان را بدان زمین بی آب و علف آورد، هاجر به طلب آب بر آن کوهها می دوید و اکنون آن دویدن^{۶۶} را بر حجّاج لازم نمود و اسماعیل می گریست و پاشنه پایها بر زمین می مالید، از زیر پاشنه او آب زمزم پیدا شد، هاجر پاره از خاک در پیش آب بند کرد تا تلف نشود، نقل است اگر هاجر آب را بند نمی کرد رودی بودی از همه رودها بزرگتر، و گفته اند اگر اهل آنجا کافر نشدندی آن آب بر روی زمین بودی، اما به سبب کفرشان همه بر زیر زمین رفت تا مانند چاهی شد، چون آنجا آب پیدا شد قوم بنی جُرهم آنجا رفتند و اسماعیل در میانشان پرورش یافت، چون اسماعیل به حدّ مردی رسید به فرمان حق تعالی ابراهیم و اسماعیل علیه السلام آنجا خانه کعبه را ساختند و از سنگ کوه قیقعان، و آن خانه بی سقف بود، حق تعالی از بهشت حجرالأسود را بدیشان فرستاد تا در رکن خانه کعبه نشانند، و آن سنگی بود

به مقدار نیم گز تقریباً و در اول سفید بود، از بس که دست ناپاک بدان مالیدند سیاه شد.

قَالَ النَّبِيُّ: (أَنْزَلَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ مِنَ الْجَنَّةِ وَهُوَ أَشَدُّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ، فَسَوَّدَتْهُ خَطَايَا بَنِي آدَمَ)، وَهُوَ تَمَثِيلٌ وَمُبَالَغَةٌ فِي تَعْظِيمِ شَأْنِهِ وَتَفْضِيحِ أَمْرِ الْخَطَايَا، يَعْنِي إِنَّهُ لِيُشْرِفَهُ يُشَارِكُ جِوَاهِرَ الْجَنَّةِ فَكَأَنَّهُ نَزَلَ مِنْهَا، وَإِنَّ خَطَايَاكُمْ تَكَادُ تُؤَوِّثُ فِي الْجَمَادَاتِ، فَكَيْفَ يَقْلُوبُكُمْ أَوْ مِنْ حَيْثُ أَنَّهُ مَكْفَرٌ لِلخَطَايَا كَأَنَّهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَمِنْ كَثْرَةِ تَحَمُّلِ أَوْزَارِهِمْ كَأَنَّهُ ذَا بَيَاضٍ فَسَوَّدَتْهُ هَكَذَا.»

حاصل آن که حجرالأسود در اول به صورت دُرّه بیضا^{۶۷} بود، و آدم در بهشت با وی مأنوس بود، در وقتی که جبرئیل به زمین آورد، پس آدم دویده وی را گرفت و بوسید از این جهت سایر اولاد آدم او را می‌بوسند و استلام^{۶۸} می‌کنند، بعد حایض و جنب در ایام جاهلیت مس^{۶۹} کردند برگشت سیاه شد. روایت است که حضرت ابراهیم علیه السلام در وقت بنای کعبه روی آن تخته سنگ جلوس می‌فرمودند.

و اما در فضیلت حجرالأسود:

«قال رسول الله صلى الله عليه وسلم في الحجر: (فإن الله تعالى يُحْيِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، لَهُ عَيْنَانِ يَنْصُرُ بِهِمَا، وَلِسَانٌ يَنْطِقُ، فَيَشْهَدُ عَلَيَّ مَنْ اسْتَلَمَهُ).»^{۷۰}

وقال أيضاً: (إنَّ الْحَجَرَ يُحْشَرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَهُ عَيْنَانِ يَنْظُرُ بِهِمَا وَلِسَانٌ يَتَكَلَّمُ بِهِ، وَيَشْهَدُ لِكُلِّ مَنْ قَبْلَهُ، وَإِنَّهُ حَجَرٌ يَطْفُو عَلَى الْمَاءِ، وَلَا يُسَخَّنُ بِالنَّارِ إِذَا أَوْقَدَ عَلَيْهِ).»^{۷۱}

شاهد بر این حکایت: غزالی در «إحياء العلوم» می‌نویسد: «عمر بن الخطاب در طواف مکّه چون حجرالاسود را بوسید گفت: می‌دانم تو سنگی باشی نه سود داری نه زیان، اگر این نبود که رسول خدا صلى الله عليه وسلم تو را می‌بوسید، هرگزت نمی‌بوسیدم.»^{۷۲}

علی علیه السلام در جواب فرمود: «او را هم سود دارد و هم زیان، چه آنگاه که خداوند او را ذریّه بنی‌آدم عهد گرفت، مکتوب کرد و بدین حجر خورانید: (فهذا يَشْهَدُ لِلْمُؤْمِنِ بِالْوَفَاءِ، وَيَشْهَدُ عَلَى الْكَافِرِ بِالْجُحُودِ).

چون ایشان خانه کعبه ساختند و بر زیارت آن امر شد مردم بدان جا مقام^{۷۳} کردند، و ابنیه خیر ساختند و رغبت نمودند، به تدریج شهری شد، هوایش به غایت گرم است، و آبش در اول

غیر زمزم نبود، حکایت آن چاه را و انباشتن و آن که کس نمی دانست که کجا است مشهور است، عبدالمطلب جد رسول الله ﷺ در خواب دید و حفر کرد و در آن جا آهوان زرین و اسلحه یافت و قریش با او نزاع کردند و به حکم خدای تقسیم شد، و در عهد رسول الله ﷺ، پنج سال پیش از مبعث، قوم قریش خانه کعبه را عمارت کردند، و به درختهایی که نجاشی پادشاه حبشه جهت کلیسای انطاکیه، از راه دریا به شام می بردند، حق تعالی آن کشتی را غرق کرد و آن چوبها را به جدّه انداخت، و مکّیان به اجازت بردند و خانه کعبه را بدان مسقف گردانیدند، و چهار قائمه^{۷۴} چوبین در زیر سقفش وضع کردند، و رسول الله ﷺ به امر خدا به دست مبارک خود بیرون خانه کعبه در رکن عراقی [حجرالاسود را] نشانند، تا در عهد عبدالله زبیر چون به حکم یزید دیوار کعبه را به سنگ منجیق خراب کرده بودند، آن را عمارت کرده، خانه را بزرگتر و دو در گردانید^{۷۵} و حجرالأسود را در اندرون خانه کعبه در دیوار نشانید، و گفت چون رسول الله ﷺ فرموده که حجرالأسود از خانه کعبه است باید که در اندرون خانه باشد، بعد از او حجاج بن یوسف ثقفی وضع عمارت او را خراب کرد و حجرالاسود را بیرون آورد، چنان که رسول الله ﷺ به رکن یمانی که عراقی هم گویند نشانید، و عثمان بن عفان در آن حوالی مسجدی خریده بود اضعاف^{۷۶} مسجد کرد تا بزرگ شد، و ولید بن عبدالملک مروان در آن مسجد عمارت عالی ساخت، و ستونهای سنگی از شام بدان مکان نقل کرد [و] سقف مسجد را از چوب ساج ساخت، و منصور ابودوانیق^{۷۷} مسجد و طوافگاه را بزرگتر گردانید، و پسرش مهدی^{۷۸} در سنه ست و ستمائه^{۷۹} بر عمارت آن افزود، تا در عهد مقتدر خلیفه عباسی در سنه تسع عشر وثلثمائه در وقت حج ابوسعید جبال قرمطی با جمعی به مکه آمد، با مسلمانان جنگ عظیم و قتال تمام کردند، چنان که چاه زمزم از کشتگان پر شد، در طوافگاه سه هزار کس بیشتر کشته افتاده بود، و حجرالأسود را ببرد و بدان خاری^{۸۰} کرد و مدت بیست سال در دست قرامطه^{۸۱} بود تا در سنه تسع و ثلاثین وثلثمائه در کوفه به سی هزار دینار عوال^{۸۲} به وکلاء مطیع خلیفه بفروختند، خلیفه او را به کعبه فرستاد و در رکن عراقی نصب کردند و تا اکنون از شرّ مخاذیل ایمن ماند. حفظها الله تعالی إلى یوم القیامة من کلّ منخول و مردود و مطرود.

● پی‌نوشتها:

۱- محقق، نویسنده و پژوهشگر عراقی، وی از خانواده ریشه‌دار و کهن است و نسب او به محفوظ بن وشاح بن محمد حلی اسدی (متوفی ۷۱۲هـ = ۱۲۹۱م) از بزرگان شیعه در حله می‌رسد، در سال ۱۹۲۶م در کاظمین در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمد و پس از تحصیلات حوزوی و دانشگاهی سالهاست که به تحقیق و تدریس در دانشگاه مشغول است و تاکنون از او بیش از یکهزار کتاب و رساله و مقاله به چاپ رسیده است، مقدمه چاپ کتاب شریف (الکافی) شیخ کلینی از اوست.

۲- الشمس:

۳- الضحی:

۴- الضحی:

۵- الضحی:

۶- الضحی:

۷- الضحی:

۸- الضحی:

۹- الضحی:

۱۰- الضحی:

۱۱- القلم:

۱۲- التوبه:

۱۳- الواقعة:

۱۴- الحج:

۱- پوشیده.

۲- لم‌بزرع.

۳- نزدیک.

۴- رنگ سبزه.

۵- کندن.

۶- گز معادل ذرع و ۱۶ گره است، امروزه گز را معادل متر اروپاییان گیرند. [لغت نامه دهخدا]

۷- سلطان ابوسعید بن خربنده از پادشاهان مغول در ایران، به دستور وی امیر چوپان حاکم عراق عرب و عجم در سال ۷۲۵هـ. مأمور بازسازی و مرمت قنات زبیده گردید، وی فرستاده‌ای به نام امیر بازان را مأمور انجام این کار نموده و ۵۰ هزار دینار طلا در اختیار وی

گذاشت و پس از ۴ ماه کار مداوم، عاقبت در ۱۰ جمادی الأولى سال ۷۲۶هـ. آب چشمه زبیده میان صفا و مروه جاری گشت.

۸- خور دنیها.



۹- ذُزَع یا ذراع مقیاس طول و معادل ۱/۰۴ متر بوده است.

۱۰- تا.

۱۱- وَجِب.

۱۲- درها.

۱۳- پلکان.

۱۴- ناودان.

۱۵- قرار گرفتن.

۱۶- سنگ سفید.

۱۷- بسته.

۱۸- علت نامگذاری.

۱۹- جِجْر دیوار نیم دایره‌ای است نزدیک به سمت مغرب کعبه، تمامی درون آن، یا ۶ ذرع یا ۷ ذرع آن از کعبه است. گویند اسماعیل

فرزند ابراهیم ما در خود را در آنجا دفن نموده و بر روی آن سنگ (= خَجْر) قرار داد تا پایمال نگردد.

۲۰- امام صادق علیه السلام فرموده: در جِجْر که پایین تر از رکن سوم قرار دارد، دختران باکره اسماعیل دفن شده‌اند و آنجا خانه اسماعیل است که

در آن آرامگاه او و هاجر می‌باشد.

۲۱- سکو.

۲۲- دیوار.

۲۳- نیم‌دایره.

۲۴- راهرو.

۲۵- مسجدالحرام نخستین مسجدی است که بر روی زمین ساخته شد و پس از آن به ۴۰ سال بیت‌المقدس بنا گردید.

۲۶- تپه.

۲۷- ابراهیم: ۳۷

۲۸- گنبد، این گنبدها بعدها در دوران تسلط آل‌سعود بر عربستان ویران گردید.

۲۹- بیشتر و غالب.

۳۰- میله‌های نشان.

۳۱- کوهستان.

۳۲- یکی از یاران با وفای امیرالمؤمنین علیه السلام.

۳۳- دراز.

۳۴- یعنی برترین جایی که می‌توان در مکه احرام بست درون مسجدالحرام است.

۳۵- زیر ناودان.

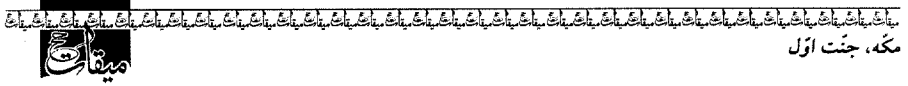
۳۶- مساجد جامع.

۳۷- نواخانه.

۳۸- قزوینیه‌ها.



- ۳۹- مادر.
- ۴۰- یعنی خیزران مادر هارون الرشید این خانه را ضمیمه مسجدالحرام نمود.
- ۴۱- به موازات.
- ۴۲- برای آگاهی از منابع تاریخی داستان ولادت حضرت علی علیه السلام درون کعبه به کتاب ارزشمند «علی و لیدُ الکعبه»، اثر دانشمند گرانمایه مرحوم شیخ محمدعلی اردوبادی نگاه کنید.
- ۴۳- حجرا لاسود در جنوب شرقی کعبه قرار دارد.
- ۴۴- مقدار اندکی.
- ۴۵- سقاخانه.
- ۴۶- البقره: ۱۵۸.
- ۴۷- تا.
- ۴۸- میان صفا و مروه.
- ۴۹- امروزه به نام مسجدالتعمیم یا مسجدالغمره مشهور است، بر دروازه شهر مکه از سوی مدینه قرار دارد، و چون عایشه در حجةالوداع از آنجا احرام بست به نام او شهرت یافت.
- ۵۰- درهٔ میان دو کوه.
- ۵۱- یکی از سنتهای پیامبر صلی الله علیه و آله جمع نمودن میان نماز ظهر و عصر در روز عرفه (۹ ذی حجه) در صحرای عرفات می‌باشد.
- ۵۲- که به نام مشعر نیز شهرت دارد.
- ۵۳- این دروازه سنگی در عکسهای قدیمی مسجدالحرام در نزدیکی مقام ابراهیم و چاه زمزم دیده می‌شود در سال ۱۹۶۵ میلادی منهدم گردید.
- ۵۴- کوهها.
- ۵۵- یعنی مسجدی است درون منا و در سمت چپ کسی که از سوی مکه به عرفات می‌رود.
- ۵۶- غار.
- ۵۷- نزدیکی.
- ۵۸- بنا بر مشهور.
- ۵۹- این قبرستان امروزه به قبرستان ابوطالب نیز شهرت دارد، و در منطقه حُجون مکه واقع است.
- ۶۰- اقامت.
- ۶۱- آگاه.
- ۶۲- ساختمان.
- ۶۳- کعبه را نخست ملائکه ساخت، سپس ابراهیم علیه السلام، سپس قریش در دوران جاهلیت و پیامبر صلی الله علیه و آله حضور داشت و عمر او ۳۵ سال بود، سپس ابن‌الزبیر، سپس حجاج بن‌یوسف و گفته شده است پس از او دو یا سه بار دیگر نیز ساخته شده است.
- ۶۴- حجاج بن‌یوسف ثقفی در پی قیام ابن‌الزبیر بر علیه خلافت اموی، به محاصره مکه پرداخت و متجنیفهای خود را بر روی کوه ابوقیس قرار داده و درون مسجدالحرام و پیرامون کعبه را که پناهگاه ابن‌الزبیر و یاران او بود آتش باران نمود و پس از کشته شدن ابن‌الزبیر وی را به دستور عبدالملک بن مروان به تجدید ساختمان کعبه که در اثر حملات او ویران شده بود پرداخت و ساختمان



- ابن الزبیر را منهدم و آن را از نو بنا نمود. این ساختمان در سال ۷۴ هـ. پایان پذیرفت.
- ۶۵- وادار.
- ۶۶- مقصود سعی میان صفا و مروه است.
- ۶۷- سنگ سفید.
- ۶۸- دست مالیدن.
- ۶۹- تماس با دست.
- ۷۰- خداوند در روز قیامت این سنگ را زنده خواهد نمود و او دو چشم خواهد داشت که با آنها می‌بیند و زبانی که بدان سخن می‌گوید، پس شهادت می‌دهد از آنانی که او را استلام کردند.
- ۷۱- حجر الاسود در روز قیامت حاضر خواهد بود و دو چشم دارد که با آنها نگاه می‌کند و زبانی که بدان سخن می‌گوید و شهادت می‌دهد از آنانی که او را بوسیدند، حجر الاسود سنگی است که بر روی آب قرار می‌گیرد و اگر زیر او آتشی قرار داده شود گرما نمی‌پذیرد.
- ۷۲- این از گفتارهای مشهور عمر بن الخطاب درباره حجر الاسود است که از دیرباز مورد طعن و تمسخر قرار گرفته و آن را دلیل ناگاهی وی به سنت پیامبر ﷺ و روایت‌های فراوانی که از آن حضرت درباره پیشینه ماوراءالطبیعی این سنگ مقدس آمده است دانسته‌اند، نخستین کسی که به این گفتار عمر اعتراض نمود امیرالمؤمنین ﷺ است، در این باره در روایتی آمده است: «عن أبي عبدالله عليه السلام قال: مرَّ عمر بن الخطاب على الحجر الأسود فقال: والله يا حجر إنا لنعلم أنك حجرٌ لا تضرُّ ولا تنفع، ألا إنا رأينا رسول الله ﷺ يحتك فنتحن نحتك. فقال أمير المؤمنين عليه السلام: كيف يابن الخطاب! فوالله ليعتنه الله يوم القيامة وله لسان وشفتان، فيشهد لمن وافاه، وهو يمين الله في أرضه يبايع بها خلقه، فقال عمر: لا أبقانا الله في بلدٍ لا يكون فيه علي بن أبي طالب» [وسائل الشيعة: ۳۲۰/۸۳]
- ۷۳- سکونت.
- ۷۴- ستون و پایه.
- ۷۵- یعنی برای کعبه دو در قرار دادند.
- ۷۶- ضمیمه.
- ۷۷- مقصود ابوجعفر منصور عباسی است که به لقب دوانیقی نیز شهرت دارد.
- ۷۸- وی محمد بن عبدالله بن محمد بن علی عبدالله بن العباس مشهور به مهدی عباسی است و پس از مرگ پدرش ابوجعفر منصور در مکه در سال ۱۵۸ هـ. به خلافت رسید.
- ۷۹- مهدی عباسی در سال ۱۶۱ هـ (۷۷۷م) به حج رفت و فرمانی برای توسعه مسجدالحرام صادر نمود، وی بار دیگر در سال ۱۶۴ هـ. به حج رفت و مجدداً دستور توسعه مسجد را داد که بنابر روایات مورخین این دو توسعه بزرگترین ترمیم و توسعه و ساختمان مسجدالحرام در طول تاریخ آن تا پیش از دوران معاصر می‌باشد.
- ۸۰- پست شمردن.
- ۸۱- قرامطه حجر الاسود را با خود به بحرین حمل کرده و تا هنگام بازپس دادن در همانجا قرار داشت.
- ۸۲- طلای خالص و ناب.